بسم‌الله الرحمن الرحیم

[خطبه اول 2](#_Toc490211916)

[توصیه به تقوای الهی 2](#_Toc490211917)

[حقیقت وجود خداوند 2](#_Toc490211918)

[نوع رابطه خداوند با سایر مخلوقات 4](#_Toc490211919)

[خطبه دوم 4](#_Toc490211920)

[توصیه به تقوای الهی 5](#_Toc490211921)

[ورود افکار غربی در مجامع عمومی کشور 5](#_Toc490211922)

[نظریه تساهل با ادیان و مذاهب 6](#_Toc490211923)

[تکثرگرایی، منشأ نظریه تساهل 6](#_Toc490211924)

[نقش مالیات در نظام اقتصادی 7](#_Toc490211925)

[دعا 7](#_Toc490211926)

# خطبه اول

**اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوای الهی

همه شما برادران و خواهران نمازگزار و گرامی ‌و خودم را به تقوی و پارسایی و آمادگی برای مرگ، لقاء خدا و دل دادن به الطاف و توفیقات او و پرهیز از آلودگی‌های روحی و اخلاقی سفارش می‌كنم.

## حقیقت وجود خداوند

در خطبه اول در سالی كه به نام امیرالمؤمنین (ع) نام‌گذاری شد، خطبه نهج‌البلاغه را مطرح نمودیم و هر بار چند فراز از آن را تشریح نمودیم. امام در این خطبه بیان می‌دارند؛ **«جَهِلَهُ فَقَدْ أَشَارَ إِلَيْهِ وَ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّهُ وَ مَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ وَ مَنْ قَالَ فِيمَ فَقَدْ ضَمَّنَهُ وَ مَنْ قَالَ عَلَا مَ فَقَدْ أَخْلَى مِنْهُ: كَائِنٌ لَا عَنْ حَدَثٍ مَوْجُودٌ لَا عَنْ عَدَمٍ مَعَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ لَا بِمُقَارَنَةٍ وَ غَيْرُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ فَاعِلٌ لَا بِمَعْنَى الْحَرَكَاتِ وَ الْآلَةِ بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ مُتَوَحِّدٌ إِذْ لَا سَكَنَ يَسْتَأْنِسُ بِهِ وَ لَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ‏»[[3]](#footnote-3)**.

این جملات در باب خداشناسی و ارتباط با خداوند است. خداوند موجودی است که وجود او حادث نیست. این جملات به بحث‌های مهمی از خداشناسی اشاره دارد.

هرچه در عالم وجود دارد، مسبوق به عدم هستند، بدین معنی که هرچه در عالم وجود دارد، روزی وجود نداشته‌اند. لذا هرچه در عالم موجود است، روزی از عدم به وجود پای گذاشته است، اعم از فرزندان، گیاهان، نباتات و ...این قانون در سایر کرات نیز جاری است و همه آنان زمانی نبود بوده‌اند و سپس به عرصه وجود پای گذاشته‌اند. اما ما از روزی که چشم به جهان گشوده‌ایم، ستارگان و ماه و خورشید و جهان اطراف خود را مشاهده نموده‌ایم، این شناخت، معرفت ناقصی است. امام در همین خطبه بیان می‌دارند که این ستارگان، کهکشان‌ها، کرات، اسمان ها و این قوانین وجود نداشت و خداوند در برهه‌ای این عالم را از نیستی به هستی رسانده است. این همان امری است که قرن‌ها بعد، دانشمندان، کشف نمودند که سیاره‌ها و مریخ، از جایی شروع‌شده و همیشه به این شکل و سامان نبوده‌اند. ازاین‌روی علم نیز به ما می‌گوید که عمر همه موجودات عمر محدودی بوده است و موجودی ازلی نبوده است.

اما زمانی که به عالم فرشتگان و مجردات نظر می‌کنیم، زمانی وجود ندارد، اما آن‌ها در ذات خود واجب نیستند و وجودشان، قائم به مبدأ دیگر است؛ چراکه زمان اگر نیز پایان یابد، هر وجودی قائم به وجود دیگری (خداوند) است. این حدوث ذاتی و زمانی که از اصطلاحات فلسفی است، از اصول و پایه‌های اعتقادی ماست. هرکس به فراخور توان فهمی خود می‌تواند این مفاهیم را دریابد و کسانی که اهل مطالعه و تحصیل‌اند، می‌توانند دریافت بهتری از این امور داشته باشند. امام در ادامه بیان می‌دارند که این خدا، همانند موجودات مسبوق به عدم نیست، آنچه برهان و فطرت ما بدان رهنمون می‌کند، این است که طبیعت و حقیقت این عالم به وجود او قائم و وابسته است و او خود، از هر نوع وابستگی و قیدی آزاد است. بنابراین، نباید در ذهن خداوند را با پدیده‌های اطراف خود قیاس نموده و سعی کنیم او را این‌گونه بشناسیم. بلکه او وجودی بی‌نهایت است که هیچ سابقه عدمی در او وجود نداشته است که نیازمند به وجود مبدأی باشد.

اگر کسی در سرمستی جوانی یا علمی خود، خیال کند که من هستم و مال دارم، گرفتار سراب و خیالی است و تنها غروری پوچ می‌تواند ما را به این باور برساند. انسان هرچه بیشتر در مسیر زندگی پیش می‌رود، این حقیقت را بهتر می‌تواند دریابد. اگر این‌گونه نشود نشانه بدون خدا بودن است. ادله متقن منطقی و فطری گواهی می‌دهد که وجود خداوند، وجودی بی‌نهایت، عزیز، مقتدر و غنی مطلق است. ذات او، ذات مطلق و بسیطی است که در هیچ شأنی از شئونات خود نیازمند به وجود دیگری نیست. به دلیل حساسیت معرفت این امور بوده که اولین بعد از دین در روایات، معرفت محسوب می‌شود که خداوند را خدایی فارغ از زمان، سابقه و نیاز بدانیم.

## نوع رابطه خداوند با سایر مخلوقات

امام در ادامه پس از معرفی حقیقی خداوند، به نوع رابطه حق‌تعالی با مخلوقات اشاره می‌دارد که این مقطع از کلام ایشان، از عالی‌ترین مفاهیم ارتباطی ما با خداوند است که؛ خداوند با همه موجودات است اما نه اینکه با آن‌ها ترکیب‌شده باشد، اما غیر از موجودات است نه بدین نحو که جدا از آن‌ها باشد. از این جمله با تعابیر مختلفی درآیات و روایات تعبیر شده است همانند؛ **«فَلَوْ لا إِذا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ\*وَ أَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ\*وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لكِنْ لا تُبْصِرُونَ»[[4]](#footnote-4)**، این آیه صحنه مرگ را ترسیم می‌نماید، زمانی که انسان، در لحظه احتضار جانش به لب رسیده و نفس‌های آخر را می‌زند و لحظه‌های آخر عمر خود را سپری می‌کند، شما گرد این محتضر نشسته‌اید و لحظات آخر غروب عمر او را مشاهده می‌کنید که در حال وداع با عالم خاکی است. شما نزدیکانی که نزدیک‌ترین قرابت روانی و مکانی و عاطفی با او دارید، از حال فعلی او ناراحت هستید، اما در این حالت واقعیت دیگری وجود دارد که عقول ناقص ما معمولاً بدان راه نمی‌یابد که در این میان، وجودی نزدیک‌تر از همه بدو وجود دارد؛ **«نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيد»[[5]](#footnote-5)**در این حالت اوست که می‌تواند کاری کند نه اطرافیان، ازاین‌روی اطرافیان در حقیقت بدو نزدیک نیستند. آیه شریفه «**أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِه»[[6]](#footnote-6)** نیز ناظر به همین امر است.

# خطبه دوم

**اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[7]](#footnote-7)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوای الهی

بار دیگر همه شما خواهران و برادران گرامی ‌و خودم را به تقوا، پارسایی، ذكر و یاد خداوند و توجه به نعمت‌ها و تفضلات او و شكر و سپاس نعمت‌هایش و آمادگی برای لقای خداوند و مراحل پس از مرگ دعوت می‌كنم. در هفته آینده میلاد امام عسکری (ع) در پیش رو داریم که این روز را تبریک عرض می‌نمایم. در روز دهم ربیع نیز طبق تاریخ، سالروز وفات حضرت معصومه (س) خواهد بود که وفات این بانوی عرفان و تقوی، را خدمت شما تسلیت عرض می‌نمایم.

## ورود افکار غربی در مجامع عمومی کشور

در دوران پس از جنگ که شرایط بهتری برای طرح افکار و ایده‌های گوناگون وجود داشت، افکار ناصحیحی در کشور ما رواج یافت که تحت تأثیر تفکرات فیلسوفان غربی بوده است. این افکار فضایی جدید را در دانشگاه‌ها و مجامع عمومی ما ایجاد نمود که طبیعتاً نسل جوان ما را مورد آماج خود قرار می‌دهد. بنده بااینکه غرض از طرح این مباحث چه بوده و گروه‌های سیاسی بیرون و درون چه چیزی را دنبال می‌کنند، کاری ندارم. آن‌ها ابعاد سیاسی قضیه است و بنده می‌خواهم از زاویه علمی و فرهنگی به این امر بپردازم. برخی از واژه‌های خارجی این مفاهیم همانند سکولاریسم را ذکر می‌نمایم که در انتخابات ششم ریاست جمهوری مطرح گشت، مباحثی همانند جمهوریت که از گذشته حتی در زمان مشروطه مطرح بود، مباحثی همانند مردم‌سالاری، نسبیت معرفت، نظریه قبض و بسط، هرمنوتیک ازجمله این مفاهیم هستند که به‌تدریج در فضای عمومی جامعه ما جای گرفت و افکار زیادی با آن درگیر شدند. این مباحث بی‌ارتباط با مباحث گسترده‌ای نیست که در قرن بیستم میلادی در دنیای غرب مطرح می‌گشت و بخشی از آن‌ها دارای ارتباط با دانش‌های نو بشری و جدید فلسفی و علوم انسانی و سیاسی است. ما به‌عنوان طلبه و دلسوزان انقلاب با این واقعیت‌ها روبه‌رو هستیم و باید بدان‌ها پاسخ دهیم.

### نظریه تساهل با ادیان و مذاهب

یک بحث در خصوص تساهل و تسامح با ادیان دیگر است که ما باید در مقابل مذاهب و ادیان دیگر از خود نرمش نشان دهیم یا در مقابله با افکار و اندیشه‌های دیگر از خود خشونت و صلابت به خرج دهیم؟ این بحث تنها حوزوی و دانشگاهی نبوده و در تریبون‌های دیگر نیز مطرح گشته است، ازاین‌روی لازم است ما در برابر این بحث، موضع منطقی و عادلانه مطابق با موازین دینی داشته باشیم. این امر در ادبیات غربی به فلورال نامیده گشته و کتب زیادی دراین‌باره نوشته‌اند و خلاصه‌اش این است كه ما در برخورد با افكار و اندیشه‌ها و جریان‌های دیگر و ارزش‌هایی كه متفاوت با ماست باید كوتاه بیاییم و نرمش و مدارا از خودمان نشان دهیم.

### تکثرگرایی، منشأ نظریه تساهل

در ابتدا باید این امر بررسی شود که این دیدگاه با موازین دینی و فلسفی ما سازگار است یا خیر؟ این امر بسیار مهمی است. این بحث مبتنی بر بحث دیگری است که در این خطبه مقداری در خصوصش صحبت می‌کنم، آن بحث، بحث تکثرگرایی و پلورالیسم دینی است. پلورالیسم بدین معنی است که اصلاً حق و باطلی در عالم وجود ندارد یا اینکه کسی قائل شود حق و باطل وجود دارد، اما برای ما امکان دسترسی بدان وجود ندارد و نمی‌توانیم حق و باطل را تشخیص دهیم، نظریه سومی نیز در اینجا می‌توان ترسیم نمود که حق در میان مذاهب و ادیان پخش است، در مسیحیت گوشه‌ای، در یهودیت گوشه و در اسلام و ...نیز هرکدام گوشه‌ای وجود دارد. هر سه نوع نگرش موجود در پلورالیسم در نگاه فلسفی دینی امری باطل است. نظریه اول مساوی با پوچ‌گرایی خواهد بود.

علمای ما در مقابله با این نظریات نباید هراسی داشته و باید نظریات اسلام را با شجاعت در این زمینه‌ها تبیین نمایند، در این مسیر لازم است خود را در این مسیر تجهیز نماییم. اصل مطرح نمودن این مباحث اگر از روی غرض نباشد مانعی ندارد، همان‌طور که حضرت امام در زمان جنگ نیز از آن ممانعت نمی‌نمودند و شهید مطهری به مارکسیسم‌ها در دانشگاه‌ها، کرسی می‌دادند تا نظریات خود را مطرح نمایند. در عصر باقرین (ع) نیز، افراد زندیق و مادی‌گرا در مقابل ایشان نظریات مادی روز را مطرح می‌نمودند. در این میان، نظریه صحیحی‌ای وجود دارد که به دلیل ضیق وقت در جلسه آتی بیان خواهم نمود.

## نقش مالیات در نظام اقتصادی

نکته دیگر در خصوص هفته مالیات است. نظام سالم اقتصادی، نظامی است که از طریق مالیات کشور اداره شود و نظام مالیاتی باید نظامی باشد که با رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ باشد. ولی متأسفانه نگرش ما این است که تنها به نفت خام تکیه نموده و آن را صادر نماییم. این بلایی است که 50 سال دامن کشور ما را گرفته است و رها نمی‌کند. درزمانی با کره و چین چندان تفاوتی نداشتیم، اما به دلیل اکتفاء بر نفت و استفاده ننمودن از ایده و فکر، از آن‌ها بسیار فاصله گرفتیم. از طرفی نیز در نظام مالیاتی ما، افراد سرمایه‌دار به‌راحتی از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کنند. در کشور ما سالانه، سه و نیم میلیارد صادرات غیرنفتی داریم و نفت را در اوج گرانی خود، سی دلار می‌فروشیم، درحالی‌که همین سی دلار، باکار پتروشیمی در کشورهای غربی و صنعتی به 3 هزار دلار تبدیل می‌شود. این نتیجه اتکا به نفت و تلاش نکردن در عرصه اقتصادی است. این مشکل با شعار و حرف درست نمی‌شود و تا زمانی که دانشگاهی و صنعتگر ما، عقیده‌اش بر تولید نباشد، عزت و استقلال لازم را به دست نخواهیم آورد. آینده قوی ما به اقتصاد قوی است، چراکه اقتصاد نقش مهمی در دنیا ایفاء می‌کند. دین ما، دین تلاش و کار است. باید از صنعتگر و تولیدکننده حمایت نمود. بنده همواره به مسئولان عوارض و شهرداری عرض می‌نمایم کسی که مالی ندارد، در مالیات‌ها ملاحظه او را نمایند.

## دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الأعظم الأعزّ الأجلّ الأکرم یا الله یا ارحم الراحمین اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیةِ وَ صِدْقَ النِّیةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ أللّهُمَّ انصُرِ الإسلَامَ وَ أهلَهُ وَ اخذُلِ الکُفرَ وَ أهلَهُ.**

**خدایا دل‌های ما را به انوار توحید و معرفت خودت منوّر بفرما لذت عبادت و مناجات و راز و نیاز با خودت را به ما بچشان ما را از بندگان خالص و موفق خودت قرار بده آلودگی‌ها را از قلب‌ها و دل‌های ما دور بفرما قلوب ما را به هم نزدیک و نرم و ملایم بفرما شرّ دشمنان اسلام را به خودشان بازگردان ما را از سربازان اسلام و امام زمان (عج) قرار بده.**

1. . اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نهج البلاغه، ص 40. [↑](#footnote-ref-3)
4. . واقعه، آیات 83 تا 85. [↑](#footnote-ref-4)
5. . ق، آیه 16. [↑](#footnote-ref-5)
6. . انفال، آیه 24. [↑](#footnote-ref-6)
7. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-7)